

مقاله پژوهشی: تبیین مبانی فکری اندیشه نظامی غرب

مجید اسدی^۱، علی فاطمی نسب^۲، جواد سلطانیان^۳

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷

چکیده

تمدن و تفکر غرب، دشمن درجه یک انقلاب اسلامی شناخته می‌شود و لذا شناخت و آگاهی بیشتر از اندیشه نظامی قدرت‌های استعماری و پرداختن به این مقوله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجایی که نقش مبانی فکری حاکم بر هر جامعه‌ای از مؤلفه‌های مهم در شکل‌گیری اندیشه سیاسی و به تبع آن اندیشه نظامی آن است. برای شناخت ماهیت و حقیقت غرب باید ارکان و ویژگی‌های تشکیل‌دهنده آن را مورد بررسی، تحقیق و شناسایی قرار داد. لذا تبیین مبانی فکری در اندیشه نظامی غرب مسئله‌ای است که مقاله حاضر بدان می‌پردازد. بر همین اساس سؤال اصلی این تحقیق، عبارت از این است که: مبانی فکری اندیشه نظامی غرب کدامند؟ به منظور پاسخ به این مسئله، پژوهش با روش کیفی و بامطالعه دیدگاه اندیشمندان غربی و غرب‌شناسان برگرفته از آثار مکتوب و با استفاده از نرم افزار مکس کیودا انجام شده است. یافته‌های پژوهش مبین این است که: «تسلط بر منابع و نقاط راهبردی جهان»، «مداخله نظامی جهت حفاظت از منافع»، «...به عنوان مبانی فکری اندیشه نظامی غرب که منبعث از ماتریالیسم می‌باشند ۵۱ درصد از مضامین احصاء شده را به خود اختصاص داده‌اند که مبین این است که اصل اساسی مبانی فکری اندیشه غرب، مادی‌گرایی است. از سوی دیگر، «تحمیل جنگ به بهانه گسترش دموکراسی»، «مداخله جویی بازدارنده دفاعی و جنگ پیش‌دستانه».. به عنوان بخش دیگری از مبانی فکری اندیشه نظامی غرب که منبعث از اومانیسیم می‌باشند و ۴۹ درصد از مضامین احصاء شده را به خود اختصاص داده‌اند، که این موضوع دلالت بر اهمیت مبانی فکری اومانستی در اندیشه نظامی غرب دارد.

واژگان کلیدی: مبانی فکری، اندیشه نظامی، غرب

۱ - دکترای علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) m.tehran.93@gmail.com

۲ - دکترای علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

۳ - دکترای علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

بسیاری از بزرگان اهمیت توجه به امور دفاعی به منظور تفوق در این زمینه را از ضروریات می‌دانند بر همین اساس امام خمینی (رحمت... علیه) بر لزوم تعلیم چگونگی دفاع تأکید کرده و می‌فرماید: اگر دفاع بر همه واجب شد، مقدمات دفاع هم باید عمل شود؛ این طور نیست که واجب باشد بر ما که دفاع کنیم و ندانیم چه جور دفاع کنیم (صحیفه امام، ج ۲۰: ۷) نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به علت ماهیت عدالت خواهی و ظلم‌ستیزی‌اش همواره از سوی مستکبران عالم در معرض انواع تهدیدات نرم و سخت قرار داشته و دارد. از سوی دیگر گسترش فناوری‌ها به مرور زمان عمق این تهدیدات را افزایش داده است.

این تهدیدات، از بدو تشکیل جمهوری اسلامی در ایران، متوجه کشور بوده است. به منظور مقابله به موقع با این تهدیدات لزوم دشمن‌شناسی در این برهه از زمان بیشتر احساس می‌گردد. لذا دشمن‌شناسی و آشنایی با اندیشه نظامی دشمن نیز همواره مورد تأکید مسئولین نظام بوده است، در این رابطه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می‌فرمایند: «... یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه دشمن را بداند و خود را در مقابل آن مجهز کند. اول دشمن را باید شناخت، بعد باید نقشه او را دانست. باید سیاست او را بشناسیم.» (بیانات فرماندهی معظم کل قوا (مدظله العالی) در تاریخ ۸۶/۰۱/۱) بروز رفتارهای خصمانه غرب از همان نخستین روزهای شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و تشدید خصومت‌ها در سال‌های اخیر، نیز به همین دلیل است. از همین رو تمدن و تفکر غرب، دشمن درجه یک انقلاب اسلامی شناخته می‌شود و لذا شناخت و آگاهی بیشتر از اندیشه نظامی قدرت‌های استعماری و پرداختن به این مقوله در این برهه از زمان اهمیت ویژه‌ای دارد. از آنجایی که نقش مبانی فکری حاکم بر هر جامعه‌ای از مؤلفه‌های مهم در شکل‌گیری اندیشه سیاسی و به تبع آن اندیشه نظامی آن است. لذا برای شناخت ماهیت و حقیقت غرب باید مبانی و ارکان تشکیل‌دهنده آن را مورد بررسی، تحقیق و شناسایی قرار داد. بر همین اساس در این پژوهش بر آن شدیم تا با توجه به ماهیت و هدف پژوهش، به کمک رویکرد کیفی، مبانی فکری اندیشه نظامی غرب را بررسی نماییم. لذا مبانی فکری اندیشه نظامی غرب مسئله‌ای است که مقاله حاضر بدان می‌پردازد و بر همین اساس هدف پژوهش تبیین مبانی فکری اندیشه نظامی غرب می‌باشد و متناظر با آن، سؤال اصلی پژوهش، «مبانی فکری اندیشه نظامی غرب کدامند؟» است.

مبانی نظری

پیشینه شناسی: در خصوص اندیشه سیاسی غرب، کتب و مقالات زیادی تحریر گردیده است ولی با بررسی نگارنده مشخص گردید که به جز تعدادی معدود، مبحث اندیشه نظامی غرب را مورد توجه قرار نداده‌اند و به‌طور اخص می‌توان گفت، موضوع مبانی فکری اندیشه نظامی غرب، مورد توجه پژوهش‌گران قرار نگرفته است. ولی در باب این موضوع، در اندیشه سیاسی غرب کتب و مقالات بسیاری به رشته تحریر درآمده است، که پژوهشگر سعی نموده در انجام این پژوهش به مواردی که بیشتر به دو مولفه (مبانی فکری و اندیشه نظامی) پرداخته‌اند مراجعه نماید، لذا در ادامه به برخی از بارزترین آن‌ها اشاره می‌گردد.

ابوالحسن غفاری، در سال ۱۳۸۹ در مقاله‌ای تحت عنوان: آشنایی با مبانی فکری و فلسفی فرهنگ غرب چاپ شده در مجله معرفت، شماره ۷۲، به صورت بسیار مختصر به بیان بعضی از مبانی فکری غربی پرداخته است نویسنده در این نوشتار برخی از مبانی فکری و فلسفی غرب را بیان نموده از جمله: غلبه کمیت بر کیفیت، اصالت عقل، اصالت قدرت، اصالت انسان، انسان همانند ابزار. با توجه به نحوه انجام این نوشتار که صرفاً جمع‌آوری نظر تعدادی معدود از نویسندگان می‌باشد، نتایج ارائه شده قابل استناد نبود ولی در مبانی نظری پژوهش حاضر از مطالب آن بهره‌برداری گردید.

تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب نوشته ابوالقاسم طاهری (۱۳۸۰)، مؤلف این کتاب با توجه به نقش مهمی که برای اندیشمندان سیاسی و تفکرات آن‌ها در تکوین و توسعه فکر انسانی قائل گردیده است، نسبت به معرفی نظرات این دانشمندان و همچنین بیان مفاهیم و اصطلاحات و شناسانیدن اندیشه‌های سیاسی غرب اهتمام ورزیده است. مطالب نخستین اثر، به معرفی اندیشمندانی همچون سقراط، افلاطون، ارسطو، اپیکور... و نظرات و تفکرات این اندیشمندان در حوزه سیاست و اختصاص داده شده است و در ادامه به بررسی همین موارد در خصوص اندیشمندان دوره رنسانس همچون ماکیاولی، توماس مور، ژان بدن و توماس هابز و... و اندیشمندان سده‌های هجده و نوزده از قبیل منتسکیو، روسو، برگ و... ، پرداخته شده است. با توجه به اینکه هدف اصلی نویسنده، آشنایی دانشجویان (خوانندگان) با نظرات دانشمندان و

همچنین با مفاهیم، اصطلاحات و تفکر آنان و شناساندن اندیشه‌های سیاسی غرب بوده است، مطالب این نوشتار در همین حد تبیین گردیده است و به صورت تحلیلی به بحث پرداخته نشده است. در ادبیات این پژوهش با توجه به بازه زمانی از مطالب پایانی این کتاب (از دوران ماکیاولی به بعد) استفاده خواهد شد. هرچند در این اثر هیچ‌گونه اشاره مستقیمی به هدف اصلی پژوهش حاضر که تبیین مبانی فکری اندیشه نظامی غرب است نگردیده است ولی در ادبیات پژوهش از مطالب آن استفاده خواهد شد.

عبدالرحمن عالم در کتاب تاریخ فلسفه سیاسی غرب (عصر جدید و سده نوزدهم) (۱۳۷۷) نویسنده در این کتاب اندیشه فیلسوفان برجسته غربی و برخی تحولات سیاسی- اجتماعی اقتصادی برانگیزنده اندیشه‌های آن‌ها در دوره تاریخی عصر جدید اروپا، از ۱۴۹۲ تا ۱۷۸۹ و سده نوزدهم را بررسی و تبیین نموده است. این کتاب با توضیحاتی درباره جنبش نوزایی در سده پانزدهم میلادی آغاز می‌شود و با بررسی اندیشه برخی فیلسوفان سیاسی همچون ماکیاولی، مور، لوتر، بدن، توماس هابز، جان لاک،... آگوست کنت و گرین به پایان می‌رسد. با توجه به قلمرو زمانی مطالب این کتاب، کلیه مطالب با عنوان پژوهش حاضر مرتبط است، با توجه به اینکه هدف اصلی نویسنده، آشنایی دانشجویان (خوانندگان) با نظرات دانشمندان و همچنین با مفاهیم، اصطلاحات و تفکر آنان و شناساندن اندیشه‌های سیاسی غرب بوده است، مطالب این نوشتار نیز در همین حد تبیین گردیده است و به صورت تحلیلی اشاره‌ای به نقش تفکرات و آثار اندیشمندان ذکر شده در اندیشه نظامی غرب نگردیده لذا باهدف اصلی این پژوهش که تبیین مبانی فکری اندیشه نظامی غرب اختصاص دارد همپوشانی ندارد ولی در ادبیات تحقیق از مطالب آن بهره خواهیم برد.

محمدحسین جمشیدی در سال ۱۳۸۳ کتابی را تحت عنوان مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان به رشته تحریر درآورده است؛ این کتاب را که می‌توان به عنوان اولین اثر، از معدود آثار انگشت- شمار فارسی دانست که مستقیماً به بحث اندیشه نظامی در جهان پرداخته و در چهارده فصل تدوین گردیده است. در فصول هفتم و هشتم اندیشه نظامی در غرب باستان (یونان، مقدونیه، روم، کارتاژ و...) تبیین گردیده است. و فصول یازدهم و دوازدهم به مقوله اندیشه نظامی در قرون وسطی

و دوره رنسانس تا پایان قرن هجدهم پرداخته است. در فصل بعدی این کتاب به اندیشه نظامی از آغاز قرن نوزدهم میلادی تا جنگ جهانی اول مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و فصل چهاردهم و فصل پایانی نیز به بررسی اندیشه‌ها و آرای نظامی در قرن بیستم می‌پردازد. هرچند مطالب مطرح شده در سه فصل پایانی کتاب بیشتر جنبه تاریخی دارد و به صورت تحلیلی به بررسی مبانی و اصول و چگونگی شکل‌گیری اندیشه نظامی بر مبنای آن‌ها، پرداخته است. ولی مرتبط با موضوع پژوهش بوده و از آن در ادبیات تحقیق استفاده خواهد شد. هدف پژوهش حاضر تبیین مبانی فکری اندیشه نظامی غرب است لیکن این موضوع در کتاب موصوف به صورت مختصر و تحت عناوین مبانی نظری اندیشه و تحولات نظامی قرون جدید و سده نوزدهم و اصول و مبانی نظری اندیشه‌های نظامی قرن بیستم تبیین گردیده است که به عنوان الگوی تبیین، به صورت مشروح در پژوهش حاضر مدنظر قرار می‌گیرد.

احمد نقیب زاده در سال ۱۳۸۲ در شماره ۳۴ ماهنامه نگاه، با مقاله‌ای تحت عنوان سیاست دفاعی و مسائل نظامی اتحادیه اروپا، به بررسی سیاست دفاعی اروپا با توجه به نقطه ضعف فقدان قدرت نظامی مؤثر کشورهای اروپایی در برابر آمریکا پرداخته است و به بررسی اندیشه دفاعی اروپا برای رسیدن به ساختار مناسب دفاعی مستقل اشاره نموده است و با برشماری تعدادی از وقایع نظامی که اروپا با آن درگیر بوده و مجبور به کمک‌خواهی از آمریکا گشته است همچون جنگ جهانی دوم، به چگونگی احساس نیاز به تشکیل پیمان آتلانتیک شمالی برای اروپا پرداخته و با توجه به مسائل دفاعی اروپا در دو دوره جنگ سرد و دوره پس از جنگ سرد به این نتایج دست یافته که وابستگی دفاعی نظامی اروپا به آمریکا از جنگ جهانی دوم و پس از آن موجب عقب‌ماندگی طولانی اروپا از آمریکا در این حوزه شده است. و این عقب‌ماندگی را در تمایل آمریکا به چیرگی نظامی و حفظ سوپر امپریالیسم خود از این طریق می‌داند. این مقاله با توجه به پرداختن به سیاست دفاعی اروپا، با موضوع پژوهش مرتبط است. و از کلیات بحث آن در ادبیات پژوهش استفاده خواهد شد. مهین عرب در مقاله‌ای تحت عنوان سیری در مبانی فکری - فلسفی تمدن و فرهنگ غرب، به برخی از مهم‌ترین ارکان و خصایص فرهنگ و تمدن غرب در چند سده اخیر (بعد از رنسانس) اشاراتی

نموده است. به نظر وی یکی از مهم‌ترین ارکان تمدن غربی، اومانیسیم است و عقیده دارد که اومانیسیم، تظاهر خودخواهی و خودمحوری انسان در این جهان است که بعد از رنسانس و خصوصاً پس از تضعیف اعتقادات دینی در غرب، امکان ظهور و بروز بیشتری پیدا کرده است. وی می‌گوید زندگی کنونی در غرب چنان است که تدبیر امور آن را بشر خود از طریق وضع قوانین و به‌موجب معاهدات و قراردادهای برعهده‌گرفته است و در این مورد خود را از احکام آسمانی و مراجع قدسی بی‌نیاز می‌داند. در عصر جدید هیچ چیز بالذات مطلوب نیست بلکه به لحاظ فایده عملی آن مورد نظر و توجه قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر دیدگاه تمدن جدید بیشتر پراگماتیسمی است و در این دیدگاه آنقدر افراط شده که حتی خود انسان نیز به شیئی میان اشیای دیگر تبدیل شده است و میزان انسان بودن او مفید بودن اوست. این مقاله با توجه به پرداختن به مبانی فکری و فلسفی تمدن غرب، با موضوع پژوهش مرتبط است و از کلیات بحث آن در ادبیات پژوهش استفاده خواهد شد.

مفهوم شناسی:

مبانی: از لحاظ لغت‌شناسی، مبانی را جمع مبنا به معنی بنیاد، شالوده، بنیان، اساس، پایه و ریشه دانسته‌اند. همچنین این واژگان، با کلماتی همچون اصل، قاعده، ضابطه مترادف شمرده شده است. ناصر کاتوزیان به گستردگی معنای مبنا در کتاب مبانی حقوق عمومی اشاره می‌کند: "واژه مبنا اندکی گسترده‌تر از معنای فلسفی آن به‌کاررفته است؛ یعنی، تنها بیان‌کننده دلیل الزام‌ها و منشأ پنهانی تکالیف حقوقی نیست، بلکه به ستون‌های اصلی حقوق عمومی نیز می‌پردازد و در توضیح قلمرو و حاکمیت در آن نموده‌ای خارجی می‌کوشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۹) لغت‌شناسان مبانی را جمع مبنی به معنی بنیادی، شالوده، بنیان، اساس، پایه و ریشه دانسته‌اند و در اصطلاح زیرساخت و الزامات اولیه هر علمی را گویند. به عبارت دیگر مفاهیم و اصول کلی هر دانشی را مبانی گویند. (طریحی، ۱۳۶۵: ۶۴)

پاتریس ژوردن در کتاب خود مبانی را دلایل حقوقی و جستجوی دلایل نظری قواعد حقوقی معنا کرده است. در این تعریف مبنا صرفاً به دلایل نظری یک قاعده یا علم توجه دارد. و در مقابل، برخی از محققان این کلمه را به تبیین در مورد ماهیت پدیده‌های موردنظر منحصر کرده‌اند. (شایان مهر، ۱۳۷۹: ۵۲۳) مبانی جمع مبنا و به معنای اصل و بنیان هر چیز است. منظور از مبانی اندیشه، بنیان‌ها

و اصول فکری و نظری یا فرهنگی یا سیاسی و اجتماعی اندیشه هست که اندیشه از آن‌ها نشات می‌پذیرد. اصول و مبانی یک اندیشه زیربنا و شالوده آن اندیشه را تشکیل می‌دهند. (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۰)

از جمله مشخصه‌های یک اندیشه به لحاظ معرفت‌شناسی، مبنا داری است. منظور از مبنا، اصل یا اصول اولیه عقلی، تجربی، علمی، و حیانی و عرفانی است که اندیشه بر آن‌ها بنا می‌گردد. (جمشیدی، ۱۳۸۵: ۴۰)

مبانی فکری: مبانی اندیشه‌ها متعدد و متنوع می‌باشند ولی در قالب جهان‌بینی‌ها مطرح می‌شوند، در این خصوص جمشیدی معتقد است که: زیربنا یا مبنا هر اندیشه را نگرش و بینش نسبت به جهان و انسان و... یا نوع جهان‌نگری (جهان‌بینی) تشکیل می‌دهد. (جمشیدی، ۱۳۸۵: ۴۰) که از آن‌ها تعبیر به مبانی فکری می‌شود.

اندیشه: در تعریفی از اندیشه آقای مهاجرنیا بیان می‌دارد که: واژه اندیشه اسم مصدر به معنای فکر کردن است. مصدر آن اندیشیدن به معنای تفکر است. تفکر عبارت است از فرایند رسیدن از معلوم به مجهول. انسان وقتی در برابر سؤال و موقعیت مبهم قرار می‌گیرد، عمل تفکر او شروع می‌شود. در موقعیت معلوم نیازی به فکر کردن نیست. کار محقق و مؤلف برای پاسخ‌بایی به سؤالات و مجهولات تفکر نامیده می‌شود؛ چون تفکر نیازمند تعقل، تدبیر و تأمل است تا از فرایند معلوم به مجهول و از معلوم به سوی مطلوب برسد. غایت تفکر همان ((طرح موقعیت مبهم))، مسئله‌سازی، مجهول‌یابی، در برابر ندانسته‌ها قرار گرفتن است اما محصول و برآیند کار او که بعد از تعقل، تدبیر و تأمل به دست می‌آید، فکر و اندیشه است؛ خواه محصول تراوش‌های ذهنی خودش باشد یا رسیدن به دیدگاه و آموزه‌های دین باشد. پس اندیشه همیشه امری معلوم و حاصل شده است. (مهاجرنیا، ۱۳۹۴: ۲۲)

همچنین حسین سلامی، در تعریفی که از نجار آورده است، بیان می‌کند که: معنای اصطلاحی اندیشه برابر با همان معنای لغوی آن است که فکر کردن و تأمل و تفکر عقلانی داشتن است که برای شناخت به‌کاررفته است. همچنین به عقیده‌ای که عقل پس از بررسی بدان دست می‌یابد، اندیشه اطلاق شده است. مراد از عقیده نیز اعتقادات و باورهایی است که شخص نسبت به آن‌ها دل‌بستگی دارد. (سلامی و یداله‌ی، ۱۳۹۶: ۱۰) و در آخر آقای جمشیدی اندیشه را کنش ذهنی انسان صاحب عقل می‌داند و اشاره می‌دارد که: اندیشه در لغت اندیشیدن، تأمل کردن، تفکر کردن و به‌طور کلی اعمال خاص ذهن

انسان است. به لحاظ وجود شناسی و منطقی نیز "اندیشه" و "فکر" بیانگر هر نوع کنش ذهنی فعال انسان صاحب عقل است. (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۲۸)

اندیشه نظامی: به بیان آجرلو اندیشه نظامی، تفکری است که به صورت قاعده‌مند و توأم با انسجام درون‌گفتمانی به بررسی مسئله بقای مادی و معنوی یک جامعه پرداخته تا آن را در برابر خطرات و تهدیدات نظامی خارجی ایمن نماید و در جهت حصول به امنیت و تأمین منافع آن به چاره‌جویی پردازد. (آجرلو، ۱۳۸۸: ۳) جمشیدی نیز در کتاب (اندیشه نظامی در جهان) دو تعریف عام و خاص از اندیشه نظامی ارائه نموده‌اند: تعریف عام: اندیشه نظامی هرگونه تفکر و تأمل درباره امر و رأی نظامی. تعریف خاص و یا معرفت‌شناسانه: "اندیشه نظامی، تفکری منسجم، موجه، اصولی، مهم و دارای چارچوب نظری و بااهمیت درباره امر و رأی نظامی که به بررسی مسئله بقای مادی و معنوی یک جامعه در مقابل خطرات و تهدیدات با توسل به قوی قهریه و سلاح و در جهت نیل به امنیت و تأمین منافع آن می‌پردازد." (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۲۹) اندیشه نظامی، اشاره به مجموعه عناصر و اجزای نظام‌مندی دارد که در یک منظومه منسجم گرد هم آمده‌اند و در راستای تعریف مفهوم امنیت به مقابله با شرایط و عناصر ناامنی می‌پردازد. (اسدی، ۱۴۰۱: ۲۶)

غرب: از نظر مفهومی، غرب نه یک موقعیت جغرافیایی یا صنعتی و تکنولوژیک، بلکه یک مکتب با نحوه تفکر، نگرش و کنش تاریخی خاص خود است لذا مفهومی از غرب که در این پژوهش مدنظر بوده و بر آن تأکید می‌شود، مفهوم فرا جغرافیایی غرب است بدین شرح که جمشیدی در اثر خود بیان داشته: از لحاظ شناخت مفهومی غرب و بنیان‌های فکری و اندیشه‌ای و به‌طور کلی نگرش و جهان‌بینی،... غرب به‌مثابه‌کلیتی واحد دیده می‌شود که محور آن را نگرش مادی و این جهانی یا سکولاریسم تشکیل می‌دهد، نه جوامعی که برجستگی آن‌ها صنعت و تکنولوژی است و هرکدام از آن‌ها نظامی سیاسی و اجتماعی خاص خود را دارد؛ چه تمام این جوامع در نگرش سکولاریستی، ماده‌گرایانه، این جهانی، سود طلبی و فردگرایی مشترک هستند. (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۱۹) این نوع معرفی غرب را در کتاب سراسیمبی سقوط اثر ریفیکن و هاوارد نیز می‌توان دید: در راستای مفهومی، غرب نه یک موقعیت جغرافیایی یا صنعتی و تکنولوژیک، بلکه یک مکتب با نحوه تفکر،

نگرش و کنش تاریخی خاص خود است. جهان‌نگری این مکتب جهان‌نگری اومانستی و سکولار و دید حاکم بر آن دید مکانیکی است. (ریفیکین و هوارد، ۱۳۷۴: ۳۶-۴۷) لذا در این پژوهش با دیدی مفهومی و هستی‌شناسانه به غرب نگریسته و غرب را به‌مثابه یک مکتب و خارج از بحث حدودو ثغور جغرافیایی در نظر می‌گیریم که، دارای جهان‌بینی و ایدئولوژی خاص خود است.

بررسی تاریخی ریشه‌های فکری اندیشه نظامی غرب: غرب مجموعه‌ای از ایدئولوژی، اصول و عقایدی است که در مغرب زمین و به‌ویژه بعد از قرون‌وسطی به‌تدریج شکل‌گرفته و امروزه جنبه جهانی پیدا کرده است. ریشه‌های برخی از اصول فکری و نظری غرب به فرهنگ یونان باستان می‌رسد. به‌عنوان نمونه در فرهنگ یونان باستان این تلقی وجود داشت که خدایان رقیب آدمیان هستند. در این میان برخی اصالت را به خدایان و برخی اصالت را به انسان‌ها می‌دادند که آن‌ها را اومانسیم قدیمی می‌نامند. نظریه آگوسانتیسم خودمحوری یا انسان‌مداری، نیز یکی از نگرش‌های فرهنگ یونانی است. این مفهوم از طریق رنسانس وارد غرب جدید گردید و تأثیری مستقیم بر غرب جدید گذاشت و در قالب روشن‌تر و با تکیه بر نفسانیات ظاهر گردید. البته در شکل‌گیری غرب به نقش روم باستان، مسیحیت، یهودیت و نیز تحولات قرون‌وسطی نیز باید توجه داشت... به اعتراف غربیان تمدن اسلامی نیز، تأثیرات عظیمی بر شکل‌گیری تمدن غرب داشت. جنگ‌های صلیبی نقطه عطف بزرگی در فرهنگ دنیای مسیحی ایجاد کرد و این موضوع باعث درهم شکستن سنت دیرین ضد عقلی کلیسایی در دنیای غرب در قرون‌وسطی گردید. این تأثیرات چندجانبه همراه با فشارهای کلیسا و آلوده شدن مذهب مسیح و حکومت پاپ باعث شد تا انسان غربی در دوره رنسانس وارد تحولی جدید گردد و به تصور کاملاً تازه‌ای از خود و دنیای اطراف خود دست یازد. (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۲۴-۲۵) در جهان‌بینی اومانستی انسان در مصدر خدایی نشسته، به‌عنوان دائرمدار همه کائنات تلقی گشت. بدین سبب می‌تواند و باید عالم را مسخر خویش سازد... بدین ترتیب قدرت مداری و به تبع آن سلطه، نتیجه طبیعی دیدگاه اومانستی محسوب می‌گردد. این سلطه و استیلا با تغییر معنی و ماهیت آدم و عالم آغاز می‌شود و با بسط علوم جدید و فرآورده آن یعنی تکنولوژی گسترش می‌یابد. (عرب، ۱۳۸۸: ۲) یکی از خصایص فرهنگ غرب به ادعای غربی‌ها، آزادی و آزاداندیشی است. خصوصاً بر اساس

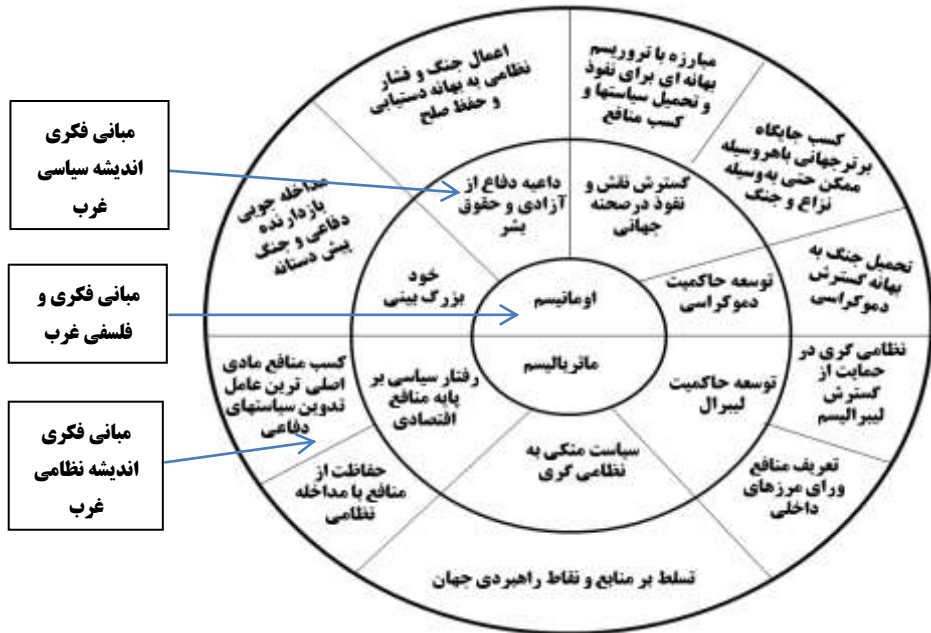
دیدگاه‌های اومانستی، انسان به‌عنوان موجودی آزاد و مختار تلقی می‌شود و اکثر نحله‌های اومانستی که تقریباً شامل تمام مکاتب و ایسم‌های جدید غربی می‌گردد، به‌نوعی خود را پرچم‌دار آزادی معرفی می‌کنند. (داوری، ۱۳۵۶: ۱۷) تمدن غربی حداکثر توجه خود را به وضع زندگی مادی بشر و بهبود معاش او معطوف داشته است اما همین توجه و عنایت و نتایجی که از آن عاید شده، بشر را دچار وهم و اشتباه کرده است تا آنجا که می‌پندارد با تصرف و استیلا بر طبیعت می‌تواند تمام مسائل را حل کند. (عرب، ۱۳۸۸: ۴)

چارچوب مفهومی: به‌منظور انجام نظام‌مند این پژوهش چارچوب مفهومی این پژوهش بر اساس نظریه جمشیدی در کتاب مبانی و تاریخ اندیشه نظامی جهان، طراحی شده است، وی معتقد است که مسائل اندیشه نظامی، یعنی امور نظامی از قبیل جنگ، صلح، پیمان نظامی و تسلیحاتی و ... همان مسائل اندیشه سیاسی است و امور نظامی، بخشی از امور سیاسی می‌باشند. به همین جهت است که در بیان رابطه بین جنگ و سیاست، اغلب متفکران، جنگ را ادامه سیاست و یا بخشی از آن دانسته‌اند. کلاوزویتس در جمله‌ای معروف می‌گوید: جنگ، تنها ادامه سیاست است، اما با وسایل دیگر و می‌افزاید: روشن است که جنگ، تنها یک کنش سیاسی نیست، بلکه یک ابزار سیاسی واقعی است. جنگ نه تنها قبل از نظامی بودن یک مسئله سیاسی است بلکه مسائل مربوط به صلح، پیمان، قرارداد، اتحادیه‌ها، تشکیل بلوک‌ها و... همه به‌مراتب مسائل سیاسی هستند... بنابراین می‌توان رابطه اندیشه نظامی با اندیشه سیاسی را به‌صورت زیر نشان داد. (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۴۰)



نمودار ۱: رابطه اندیشه نظامی با اندیشه سیاسی (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۴۰)

با توجه به آنچه گذشت، پژوهشگر با توجه به مفاهیم و عناصر بنیادین اندیشه نظامی غرب و نتایج حاصله، مبانی فکری اندیشه نظامی غرب را در قالب چارچوب مفهومی به شکل زیر طراحی نموده است



نمودار ۲: چارچوب مفهومی پژوهش (منبع محقق ساخته)

روش‌شناسی تحقیق

نوع پژوهش: نظر به اینکه این پژوهش باهدف بهره‌برداری از سوی مدیران و مسئولین نیروهای مسلح انجام شده است از نوع کاربردی است و از آن‌جهت که تلاش می‌کند تا موجب توسعه ادبیات اندیشه نظامی در کشور گردد توسعه‌ای است لذا پژوهش از نوع کاربردی- توسعه‌ای است.

روش پژوهش: روش اجرای این پژوهش داده بنیاد و داده‌های مورداستفاده در این پژوهش کیفی است. در این پژوهش در ابتدا با استفاده از روش خبرگی و تحلیل تفسیری اسناد موجود، داده‌ها جمع‌بندی، انتخاب و کدگذاری‌های دقیق بر روی آن‌ها صورت گرفت، سپس پژوهشگر نسبت به احصاء مبانی فکری اندیشه‌نظامی غرب اقدام نموده است. در آزمون و پرسش از خبرگان در زمینه صحت و درستی استنباط از داده‌های احصاء شده، از پرسشنامه‌های متعدد استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش: جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل: کتب و نشریات مرتبط با اندیشه سیاسی و نظامی غرب، اسناد دفاعی و سخنرانی‌ها و آثار اندیشمندان سیاسی و نظامی در این خصوص و مصاحبه با صاحب‌نظران و... بوده که مورد بررسی قرار گرفت. در این راه، مبانی نظری، ادبیات و پیشینه پژوهش مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و روش اسنادی گردآوری شده است و از کتب

داخلی و خارجی، مقالات، نشریه رسمی دولتی و مطبوعات، پایان‌نامه‌های مرتبط، جستجو در بانک‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی نظیر اینترنت بهره گرفته شده است.

روش نمونه‌گیری: در این پژوهش از نمونه‌گیری نظری استفاده شد. در این شیوه، تعداد نمونه‌ها از پیش مشخص نیست و افزودن به آن‌ها تا مرحله رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا می‌کند. «نمونه‌گیری نظری، نوعی نمونه‌گیری هدفمند است که پژوهشگر سعی می‌کند با بهره‌گیری از نظرات و دانش آگاه‌ترین افراد درباره موضوع پژوهش به واکاوی و موشکافی رویداد و پدیده موردنظر بپردازد، به عبارت دیگر نوع نمونه‌گیری، تصادفی نیست بلکه عمدی و قضاوتی است»

بنابراین با توجه به ماهیت موضوع و هدف این پژوهش و محدود بودن جامعه آماری، تلاش شده است با مراجعه به کارشناسان و صاحب نظران و تشکیل جلسات خبرگی و بهره‌برداری از نظرات آنان، داده‌های لازم پیرامون موضوع گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

از آنجایی که اشباع نظری معیاری است که بر اساس آن پژوهش‌گر درباره خاتمه دادن به فرآیند گردآوری داده‌ها تصمیم‌گیری می‌کند به منظور اخذ حساسیت نظری تا حد اشباع نظری، فرآیند نمونه‌گیری نظری تا زمانی ادامه یافت که هیچ مفهوم جدیدی در هنگام گردآوری داده‌ها خلق نگردد و در نهایت پس از مصاحبه با نفر هفدهم از متخصصین و صاحب‌نظران این حوزه، این امر محقق گردید. شیوه تجزیه و تحلیل در این پژوهش استفاده از رویکردهای کیفی است و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش داده بنیاد برای تبیین مبانی فکری اندیشه نظامی غرب استفاده شده است. در تئوری داده بنیاد تجزیه و تحلیل داده‌ها به معنی مقایسه مستمر داده‌ها برای مفهوم‌سازی است و همه مراحل مربوط به تحلیل داده از جمله دسته‌بندی و کدگذاری را شامل می‌شود. در این تئوری، مفاهیم، واحدهای اصلی تجزیه و تحلیل هستند... رویدادها و وقایع و حوادث باید به‌عنوان شاخص‌های بالقوه مرتبط با پدیده موردبررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد و از آن‌ها مفاهیم ساخته شود. در نتیجه مفهوم‌سازی از داده‌ها یکی از نکات اصلی در تئوری داده بنیاد است. (استراوس، ۱۳۸۷: ۱۱۶)

روش جمع‌آوری داده‌ها: در هر مرحله از پژوهش، ابتدا پرسش‌نامه‌ای بر اساس یافته‌های مطالعات نظری، متناظر با مبانی اندیشه نظامی غرب تنظیم و پس از ارائه آن به اساتید و برخی از افراد صاحب‌نظر و خبیره مرتبط با موضوع و مشورت و اخذ نظرات آنان، اصلاحات لازم به عمل آمد و سپس پرسش‌نامه اصلاحی با لحاظ نمودن نظرات افراد صاحب‌نظر و خبیره، در قالب تعداد سؤال موردنیاز بسته و سؤال بازطراحی، توزیع و نظر خبرگان احصاء گردید.

روایی و پایایی ابزار جمع آوری داده‌ها: با توجه به کیفی بودن این پژوهش، روایی بیشتر بر روی صحت داده‌ها (روایی درونی) تأکید دارد تا معنایی که در مطالعات کمی به کار می‌رود. در پژوهش حاضر به دلیل بهره‌مندی مستمر از نظر خبرگان در کلیه مراحل و فرایندهای پژوهش اعم از واژه‌گزینی برای انتخاب متون مرتبط و ارزیابی نهایی برداشت محقق از داده‌ها، پایایی و روایی مورد انتظار به‌خوبی تضمین و برآورد شده است. باین‌وجود برای تعیین روایی، پس از تأیید اولیه گویه‌ها توسط استادان راهنما و مشاور، پرسشنامه‌ای تنظیم و به ۳۰ نفر از خبرگان و نظردهندگان که برای این ارزیابی پیش‌بینی شده بودند ارائه گردید. در این پرسشنامه برای تک‌تک گزاره‌های استخراجی (از اسناد و مدارک و ادبیات پژوهش) در هر بخش، از خبرگان سؤال شده که آیا گویه‌ها مورد تأیید می‌باشند یا خیر؟ همچنین به‌منظور تأیید پایایی، در این پژوهش از ضریب پایایی پی اسکات^۱ (برابر فرمول زیر)، استفاده شد که معیاری برای اندازه‌گیری اعتبار تحلیل کیفی است.

$$\pi = \frac{\text{Pr}(a) - \text{Pr}(e)}{1 - \text{Pr}(e)}$$

مقدار این ضریب بین صفر و یک قرار دارد. هرچه میزان این شاخص به یک نزدیک‌تر باشد، پایایی کدگذاری در تحلیل کیفی بیشتر است. اگر این شاخص بالای ۰/۹ به دست آید، بیانگر اطمینان بالا بین دو کدگذار است. اما در حالت کلی، میزان قابل قبول ضریب پایایی پی اسکات، بالای ۰/۷ است. برای آگاهی یافتن از میزان دقت کدگذاری و اطمینان داشتن از صحت مقوله‌های پژوهش، ضریب قابلیت اعتماد، بر اساس فرمول ضریب اسکات، محاسبه شد تا مؤید پایایی تحقیق باشد. برای این کار، پس از پایان عملیات کدگذاری، پژوهشگر دیگری به‌عنوان کدگذار دوم، ۲۰ درصد نمونه مضامین (۶۳ مضمون) را به‌صورت تصادفی دوباره کدگذاری کرد و با درصد توافق مشاهده‌شده و مورد انتظار، به‌دست‌آمده در فرمول بالا، ضریب اسکات محاسبه‌شده برابر ۸/۷ و نشان‌دهنده پایایی قابل قبول ابزار سنجش است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های جمعیت شناختی جامعه پژوهش: در این پژوهش، متغیرهای جمعیت شناختی عبارت‌اند از:

۱- میزان تحصیلات جامعه نمونه ۲- رشته تحصیلی جامعه نمونه ۳- سابقه خدمت در مشاغل راهبردی،

^۱ - Scott's pi

جدول ۱: فراوانی ویژگی‌های جمعیت شناختی جامعه پژوهش

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد	رشته تحصیلی	فراوانی	درصد	سابقه خدمت در مشاغل راهبردی	فراوانی	درصد
کارشناسی ارشد	۵	۱۷٪	علوم سیاسی	۶	۲۰٪	۱ تا ۵ سال	۹	۳۰
دکتری	۲۵	۸۳٪	علوم راهبردی	۲۱	۷۰٪	۵ تا ۱۰ سال	۱۴	۴۷
-			روابط بین‌الملل	۳	۱۰٪	۱۰ سال به بالا	۷	۲۳
جمع	۳۰	۱۰۰٪		۳۰	۱۰۰٪		۳۰	۱۰۰٪

جدول فوق نشان‌دهنده آن است که ۸۳ درصد پاسخ‌گویان جامعه آماری دارای مدرک تحصیلی دکتری و ۱۷ درصد کارشناسی ارشد دارند. که این امر خود بر اعتبار داده‌های احصاء شده می‌افزاید. از نظر رشته تحصیلی نیز پراکندگی رشته‌های تحصیلی جامعه مورد مطالعه شامل ۲۰ درصد در رشته علوم سیاسی، ۷۰ درصد در رشته علوم دفاعی راهبردی و ۱۰ درصد روابط بین‌الملل بوده‌اند. همچنین ۳۰ درصد پاسخ‌گویان دارای سنوات خدمت در مشاغل راهبردی ۱ تا ۵ سال هستند، ۴۷ درصد ۵ تا ۱۰ سال و ۲۳ درصد دارای سنوات ۱۰ سال به بالا هستند که این امر بر اعتبار پاسخ‌های داده‌شده اثر مثبت داشته است.

فرآیند جمع‌آوری داده‌ها: به منظور بهره‌برداری مناسب و جامع و مانع از اطلاعات اسنادی جمع‌آوری شده، ابتدا ضمن بررسی‌های اولیه و با مشورت صاحب‌نظران، کلیدواژه‌ها و الفاظی که بیشترین ارتباط را با موضوع پژوهش داشت احصاء شد در نهایت بعد از نفر هفدهم نظرسنجی به دلیل تکرار نظر خبرگان، به اشباع نظری اصل و کلیدواژه‌ها و الفاظ مرتبط تعیین گردید. با توجه به تعداد زیاد الفاظ، در مرحله بعد و با توزیع پرسشنامه نسبت به اولویت‌بندی الفاظ اقدام و جهت تحدید پژوهش، تنها ۱۴ کلیدواژه به ترتیب اولویت (برتری، قدرت، آزادی، اقتصاد، مادی‌گرایی، فرهنگ، منافع، جنگ، دفاع، نفوذ، تروریسم، لیبرالیسم، بین‌الملل و اومانیزم) انتخاب و از بقیه صرف‌نظر گردید. سپس برای سنجش حساسیت نظری، فرم مصاحبه و نظرسنجی بین خبرگان، توزیع و نظرات احصاء گردید. در پرسشنامه اولیه سؤال شده بود که: آیا این کلیدواژه‌ها بر مبانی فکری اندیشه نظامی غرب دلالت دارد یا خیر؟ چنانچه دلالت دارد میزان شدت آن چقدر است؟ نظرات پیشنهادی جنابعالی در این خصوص چیست؟

کلیدواژه‌های تعیین‌شده توسط تمامی صاحب‌نظران، تأیید گردید. برای داده‌کاوی اطلاعات اسنادی تهیه‌شده، با محوریت این الفاظ، در متون جمع‌آوری‌شده و مصاحبه‌های انجام‌شده، جستجو صورت

گرفت. از متونی که این الفاظ به کار برده شده بود، حداقل یک جمله پس و پیش و بعضاً پاراگراف مربوطه به عنوان پایه داده، انتخاب و در یک بانک گردآوری و به عنوان داده‌های اولیه تعیین گردید. جمع کل متن حدود ۴۳۰ صفحه گردید. از میان پاراگراف‌های انتخاب شده از متون و سخنرانی‌ها، پاراگراف‌های مرتبط با موضوع پژوهش به کمک نرم‌افزار مکس کیودا^۱ پالایش گردید که از میان آن‌ها، ۳۱۷ مفهوم مرتبط با مبانی فکری اندیشه نظامی غرب، احصاء گردید که به دلیل محدودیت صفحات مقاله، بخشی از آن‌ها به عنوان نمونه به شرح جدول ذیل بیان شده است.

جدول ۲: مضامین مرتبط با مبانی فکری اندیشه نظامی غرب

ردیف	مضمون	مفهوم	مقوله
۱	مجموعه سیاست‌ها و برنامه‌های اعلام شده برای مناطق مختلف جهان، در جهت حفاظت و حراست از شأن هژمونی و سلطه طلبی آمریکا قرار دارد. (سند استراتژی امنیت ملی آمریکا، ترجمه از: مشرق نیوز، ۱۸ بهمن ۱۳۹۳)	حفاظت و حراست از سلطه طلبی آمریکا	کسب جایگاه برتر جهانی با هر وسیله ممکن حتی به وسیله نزاع و جنگ
۲	در چنین نظامی اگر مثلاً از اخلاق سخن به میان می‌آید، مقصود مراحل متعالی سیر و سلوک آدمی و مبارزه با هوا و هوس و جهاد اکبر نیست، بلکه نظام اخلاقی غرب نظام سود است و این سود و نفع مادی از هر طریقی، هرچند حرام، به دست آید مجاز است. (دورانت، ۱۳۶۸: ۱۱۳)	کسب سود و نفع مادی از هر طریقی	کسب منافع مادی اصلی‌ترین عامل تدوین سیاست‌های دفاعی
۳	وجود رژیم‌های توتالیتر و یا غیر دموکراتیک، صلح و ثبات بین‌المللی را با مشکل مواجه می‌سازد. (هانگتینتون، ۱۹۸۹: ۲۴۲)	داعیه جنگ برای دموکراسی	تحمیل جنگ به بهانه گسترش دموکراسی
۴	در اندیشه نظامی آمریکا کسب حداکثر منافع برای ایلات متحده از اولویت‌های اساسی است. منفعت محوری در این اندیشه اصلی اساسی و از همان ابتدا یکی از پایه‌های سیاست‌های دفاعی و امنیتی آن را تشکیل داده است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۳۰)	سود پایه اصلی سیاست‌های دفاعی و امنیتی	کسب منافع مادی اصلی‌ترین عامل تدوین سیاست‌های دفاعی
۵	توجیه ورود آمریکا به جنگ با استدلالات ویژه‌ای صورت می‌پذیرد. نخست اینکه، فعالیت‌های فوق را با توجیه دفاع از خویش انجام می‌دهد. (هانگتینتون، ۱۹۸۹: ۲۴۲)	توجیه تجاوز با جنگ دفاعی	مداخله جویی بازدارنده دفاعی و جنگ پیش‌دستانه
۶	بوش پس از اینکه تروریسم و وجود تسلیحات کشتار جمعی در برخی کشورها را تهدید اصلی می‌داند، بیان می‌کند: بهترین	لزوم جنگ برای حفظ	اعمال جنگ و فشار نظامی به بهانه

^۱ - MAXQDA

دستیابی و حفظ صلح	صلح	دفاع ما در برابر تهدیدات، جلوگیری از آن‌ها است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۴۷۷)
مبارزه با تروریسم بهبود برای نفوذ و تحلیل سیاست‌ها و کسب منافع	سوءاستفاده از مبارزه با تروریسم	۷ ماحصل این حوادث برای مردم خاورمیانه به راه افتادن نبردهایی بود که به نام مبارزه با تروریسم، با حمایت کشورهای غربی و با حضور مستقیم نظامیان آن‌ها در منطقه شکل گرفت. (بارکر، ۲۰۰۳: ۴۸)
		۸ تحت عنوان مبارزه با تروریسم نظیر آنچه انگلستان در قرن نوزدهم تحت عنوان مبارزه با دزدان دریایی انجام می‌داد، انسان‌ها را در افغانستان، عراق و پاکستان کشته، حقوق اساسی کشورها را نقض می‌کند. (الهی، ۱۳۸۹: ۳۰)
تحمل جنگ به بهبود گسترش دموکراسی	داعیه دفاع از آزادی و حقوق بشر	۹ امروز جامعه آمریکا خود را آزادترین کشور جهان معرفی می‌کند و بر این اصل تأکید دارد که از آزادی در دیگر کشورها دفاع می‌کند. (سند استراتژی امنیت ملی آمریکا، ترجمه از: مشرق نیوز، ۱۸ بهمن ۱۳۹۳)
کسب منافع مادی اصلی‌ترین عامل تدوین سیاست‌های دفاعی	مداخله مستقیم جهت حفاظت از منافع	۱۰ درواقع جانسون با این موضع، مداخله مسلحانه مستقیم جهت حفاظت از منافع را که برخلاف منشور ملل متحد بود برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم وارد سیاست خارجی آمریکا کرد. (G. Rabe, 2006:48)
مبارزه با تروریسم بهبود نفوذ و تحلیل سیاست‌ها و منافع	گسترش نفوذ به بهبود مبارزه با تروریسم	۱۱ واقعه یازده سپتامبر موجب شد.... بهترین شرایط برای تحقق دکترین‌های مداخله‌گرایانه و جهان‌گرایانه پدید آید. (خلیلی، ۱۳۸۱: ۱۳)
کسب جایگاه برتر جهانی با هر وسيله حتى به‌وسيله نزاع و جنگ	کسب منافع و جایگاه به‌وسيله نزاع و جنگ	۱۲ در جای که منافع مهم ایالات متحده در خصوص دسترسی به بازارهای جهانی، انرژی و منابع استراتژیک محدود شود باید از مداخله نظامی نیز بهره گرفت. (clinton, January, 000:27)
کسب منافع مادی اصلی‌ترین عامل تدوین سیاست‌های دفاعی	تنش‌زایی جهت فروش تسلیحات	۱۳ در حوزه همکاری نظامی و امنیتی با اروپا، توانایی موشکی بالستیک و کروز ایران، به‌عنوان یک تهدید علیه این منطقه عنوان و تلاش شده است تا استقرار سامانه‌های موشکی آمریکا در اروپای شرقی توجیه شود (سند استراتژی امنیت ملی آمریکا، ترجمه از: مشرق نیوز، ۱۸ بهمن ۱۳۹۳)
		۱۴ دکترین آیزنهاور بر این استراتژی قرار داشت که آمریکا منافع

تسلط بر منابع و نقاط راهبردی جهان	تسلط بر نقاط راهبردی جهان	در خاورمیانه دارد و حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشورهای این منطقه را برای افزایش و حفظ امنیت خود امری حیاتی قلمداد می‌کند و در این زمینه آماده است برای حفاظت از کشورهایی که مورد حمله کمونیسم بین‌المللی قرار می‌گیرند، از نیروهای نظامی خود استفاده کند (Eisenhower, 1957).
-----------------------------------	---------------------------	---

یافته‌های سؤال پژوهش:

۱- مبانی فکری اندیشه نظامی غرب کدامند؟

یافته‌های پژوهش مبین این است که مهم‌ترین مبانی فکری اندیشه نظامی غرب که منبعث از مبانی فکری اندیشه سیاسی و به تبع آن مبانی فکری فلسفی غرب می‌باشد عبارتند از:

جدول ۳: مبانی فکری اندیشه نظامی غرب

ردیف	مبانی فکری	فراوانی	درصد	اولویت
۱	نظامی‌گری در حمایت از گسترش لیبرالیسم	۲۸	۸,۸	۶
۲	اعمال جنگ و فشار نظامی به بهانه دستیابی و حفظ صلح	۲۶	۸,۲	۸
۳	تحمیل جنگ به بهانه گسترش دموکراسی	۳۵	۱۱	۳
۴	کسب منافع مادی اصلی‌ترین عامل تدوین سیاست‌های دفاعی	۲۷	۸,۵	۷
۵	مداخله نظامی جهت حفاظت از منافع	۳۳	۱۰,۴	۴
۶	تسلط بر منابع و نقاط راهبردی جهان	۴۴	۱۳,۹	۱
۷	حفاظت منافع ورای مرزهای داخلی	۲۹	۹,۲	۵
۸	کسب جایگاه برتر جهانی با هروسيله ممکن حتی به وسیله نزاع و جنگ	۲۵	۷,۹	۹
۹	مبارزه با تروریسم بهانه‌ای برای نفوذ و تحمیل سیاست‌ها و کسب منافع	۳۷	۱۱,۶	۲
۱۰	مداخله جویی بازدارنده دفاعی و جنگ پیش‌دستانه	۳۳	۱۰,۴	۴
	جمع	۳۱۷	۱۰۰	

برابر اطلاعات حاصله، از تعداد ۳۱۷ مضمون احصاء شده «کنترل منابع و نقاط راهبردی جهان» با اختصاص ۱۴ درصد (۴۴ مضمون) در اولویت اول قرار دارد؛ «مبارزه با تروریسم بهانه‌ای برای نفوذ» با تخصیص نزدیک به ۱۲ درصد مضامین (۳۷ مضمون) در اولویت دوم «داعیه جنگ برای گسترش دموکراسی» با ۱۱ درصد مضامین (۳۵ مضمون) جایگاه سوم مبانی فکری اندیشه نظامی غرب را در این پژوهش به خود اختصاص داده است. سایر مبانی احصاء شده نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

الف- نتیجه‌گیری

با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده، مبانی فکری اندیشه نظامی غرب از ابعاد مهم آن است که از اهمیت استراتژیک ویژه‌ای برای تحلیل رفتار این کشور در قبال سایر کشورهای جهان برخوردار است. لذا به‌عنوان هدف این پژوهش بدان پرداخته شد. این مبانی نشأت گرفته از مبانی فکری سیاسی غرب و ریشه در مبانی فلسفی غرب دارد، مبانی اصلی فلسفی غرب بر دو محور اومانیسیم و ماتریالیسم بنا گذاشته شده است که ساختار اصلی اندیشه فکری غرب را تشکیل می‌دهد. اطلاعات حاصله نشان‌دهنده این است که: «تسلط بر منابع و نقاط راهبردی جهان»، «مداخله نظامی جهت حفاظت از منافع»، «حفاظت منافع و رای مرزهای داخلی»، «نظامی‌گری در حمایت از گسترش لیبرالیسم» و «کسب منافع مادی اصلی‌ترین عامل تدوین سیاست‌های دفاعی» به‌عنوان مبانی فکری اندیشه نظامی غرب که منبعث از ماتریالیسم می‌باشند ۵۱ درصد (۱۶۱ مضمون) از مضامین احصاء شده را به خود اختصاص داده‌اند که این امر مبین این است که اصل اساسی و اولیه مبانی فکری اندیشه نظامی غرب، مادی‌گرایی است. در خصوص مادی‌گرایی در اندیشه نظامی غرب، باید گفت، کسب سود حداکثری، اولویت اهداف مادی و دنیوی و... از مهم‌ترین مصادیق آن هستند. مادی‌گرایی سبب شده تا تنها کسب منافع برای غرب در نظر گرفته شود و در این راه ارزش‌های معنوی از جمله کرامت انسانی، عدالت، رستگاری بشر و مواردی از این دست نادیده گرفته شوند. دیدگاه مادی‌گرایی جامعه غربی تا جایی است که آن‌ها را به ماجراجویی در نقاط مختلف جهان کشانده و در این راه حقوق به‌حق سایر ملت‌ها را پایمال کرده‌اند.

از سوی دیگر، «مبارزه با تروریسم بهانه‌ای برای نفوذ و تحمیل سیاست‌ها و کسب منافع»، «تحمیل جنگ به بهانه گسترش دموکراسی»، «مداخله جویی بازدارنده دفاعی و جنگ پیش‌دستانه»، «اعمال جنگ و فشار نظامی به بهانه دستیابی و حفظ صلح» و «کسب جایگاه برتر جهانی با هر وسیله ممکن حتی به‌وسیله نزاع و جنگ» به‌عنوان بخش دیگری از مبانی فکری اندیشه نظامی غرب که منبعث از اومانیسیم می‌باشند ۴۹ درصد (۱۵۶ مضمون) از مضامین احصاء شده را به خود اختصاص داده‌اند، که این موضوع دلالت بر اهمیت مبانی فکری اومانستی در اندیشه نظامی غرب دارد. غرب، دموکراسی و آزادی و گسترش آن در مناطق مختلف را دستاویزی برای سلطه و نفوذ در کشورهای مخالف و تثبیت راهبردهای خود قرار داده است. اما در باطن سیاست‌های دنیای غرب نه‌تنها مسیر آزادی را نشان نمی‌دهد بلکه سراسر برگرفته از تبعیض‌های مذهبی و نژادی در اقصی نقاط جهان به‌ویژه در برخورد با مسلمانان است.

حتی از طریق ترویج آزادی‌های جنسی و دامن زدن به آن در دولت‌های اسلامی، چیزی جز تغییر هویت‌های ملی کشورها و تضعیف فرهنگ آن‌ها ندارد. غرب همواره خود را حامی تمامی جریان‌های ضد تروریسم، محیط زیستی، بهداشتی و غیره دانسته و براین اساس است که سردمداران غرب خود را به‌عنوان نیروی خیر معرفی می‌نمایند و نه تنها مخالفان بلکه کسانی را که صرفاً با سیاست‌های آن‌ها همراهی نمی‌کنند (جمله معروف جرج دبلیو بوش «یا با ما یا علیه ما») را نیروهای شر و دشمن لحاظ نمودند. با تمام اوصاف می‌توان چنین گفت که اندیشه سیاسی و نظامی غرب نشأت گرفته از مبانی فکری آن‌ها است. لذا شاهد آن هستیم که عقیده به برحق بودن و برتری داشتن به همراه داعیه مسئولیت الهی اصلاح جهان که منبعث از مباحث فکری و فلسفی حاکم بر جامعه غرب است، باعث گردیده تا غرب همواره شروع هر جنگ و منازعه‌ای را با توجیهاتی از این قبیل، حق مسلم خود دانسته و حتی گاهی در پوشش سازمان‌های بین‌المللی، آغازگر جنگ و تجاوز به کشورهای هدف باشد. آن‌ها برای رسیدن به نظم نوین جهانی که مدنظرشان است و آن را حق خود می‌دانند، با توجه به شرایط، گاهی راه دیپلماسی را برمی‌گزینند که این مورد در سیاست خارجی آن‌ها به‌کرات دیده شده، و در صورت نیاز متوسل به‌زور نیز می‌شوند که این امر نیز به‌وضوح در تجاوزات نظامی چند دهه اخیر در نقاط مختلف جهان علی‌الخصوص خاورمیانه کاملاً مشهود است.

ب- پیشنهادها

- الف) از نتایج این پژوهش می‌توان به‌منظور آشنایی مسئولان، مدیران و فرماندهان با اندیشه نظامی غرب، در راستای دشمن‌شناسی، بهره‌گرفت.
- ب) از نتایج این پژوهش می‌توان در تهیه متون آموزشی در سطوح مختلف به‌منظور آشنایی با اندیشه نظامی غرب استفاده نمود.
- ج) هر یک از مقوله‌های ۱۰ گانه بیان‌شده را می‌توان به‌عنوان موضوعی مستقل موردپژوهش قرار داد.

فهرست منابع:

- صحیفه امام، ج ۲۰
- آجرلو، علی (۱۳۸۸)، سایت باشگاه اندیشه
- استراوس، آنسلم و کورین، جولیت (۱۳۸۷)، اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی، رویه‌ها و روش‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم
- اسدی، مجید (۱۴۰۱) تبیین مبانی و اصول اندیشه نظامی غرب (مطالعه موردی: ایالات متحده آمریکا)، رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰) مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران-تهران- دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی-دوره عالی جنگ
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۳)، مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان، تهران، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دوره عالی جنگ
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۵) رخ اندیشه، روش‌شناسی شناخت اندیشه‌های سیاسی، کلبه معرفت
- داوری، رضا (۱۳۵۶) عصر اتویی، انتشارات حکمت
- ریفکین جرمی و تدهوارد (۱۳۷۴)، جهان در سراسیمی سقوط، ترجمه محمود بهزاد، انتشارات سروش
- سلامی، حسین و رضا یدلهی، (۱۳۹۶) ارائه الگوی دفاعی حاکم بر اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال پانزدهم، شماره ۶۹
- شایان مهر، علیرضا، (۱۳۷۹) دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، انتشارات مؤسسه کیهان
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۰) تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب، تهران: نشر قومس
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۷) تاریخ فلسفه سیاسی غرب (عصر جدید و سده نوزدهم)، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه - چاپ اول
- عرب، مهین (۱۳۸۸) سیری در مبانی فکری فلسفی تمدن غرب، فصلنامه ندای صادق، شماره ۶
- غفاری، ابوالحسن، (۱۳۸۹) آشنایی با مبانی فکری و فلسفی فرهنگ غرب، مجله معرفت، ش ۷۲
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۷) مبانی حقوق عمومی، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول، پائیز
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۴)، اندیشه دفاعی اسلام. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نقیب زاده، احمد، (۱۳۸۳) بازخوانی نظم برخاسته از معاهدات و استغالی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شماره ۶۵